

2110122
1KA V024



ناصرات منیرہ لشکری،
غمسر ارا، خلیان، حسین لشکری

نویسنده: گلستان جعفریان

انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)

دفتر ادبیات و هنر مقاومت



روزهای بی آینه

خاطرات منیژه لشگری

همسر آزاده خلیان، حسین لشگری

ریسنده: گلستان جعفریان

اب: حافی ولیموگرافی، ویژه پرداز اندیشه - چاپ اندیشه

چاپ اول: ۱۳۴۱
تعداد: ۶۷۵ نسخه
شمارگان: ۶۷۵ - ۶۰۰ - ۹۷۸

سرشناسه: لشگری، منیژه - ۱۳۴۱ -
عنوان و نام پدیدآور: روزهای بی آینه: خاطرات منیژه لشگری، همسر آزاده
خلیان، حسین لشگری، / خلاصه کتاب: گلستان جعفریان، [برای] دفتر ادبیات
و هنر مقاومت، [حوزه هنری، سازمان تبلیغات اسلامی].
مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۱۵۸ ص: مصور (ب.ی).

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۰۶۷۵-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیا

عنوان دیگر: خاطرات منیژه لشگری، همسر آزاده خلیان، حسین لشگری.

موضوع: لشگری، منیژه، ۱۳۴۱ - - خاطرات

موضوع: همسران خلیان ها - - ایران - - خاطرات

موضوع: Diaries - Iran - - spouses of pilots

شناسه افزوده: جعفریان، گلستان، ۱۳۵۲ - - گردآورنده

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر

شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، دفتر ادبیات و هنر مقاومت

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ / ۱۳۸۸ / ۱۳۸۸ CT

رده بندی دیویی: ۹۲۰ / ۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۹۱۵۴۲

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشید، پلاک ۲۳

صندوق پستی: ۱۵۸۱۵-۱۱۴۴

تلفن: ۶۱۹۴۲۰ سامانه پیامک: ۳۰۰۵۳۱۹

تلفن مرکز بخش: (پنج خط) ۶۶۴۶۰۹۹۳ فکس: ۶۶۴۶۹۹۵۱

www.sooremehr.ir

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

فهرست

۷		اشاره
۹		کوتاه دربارهٔ حسین لشگری
۱۳		فصل اول
۲۱		فصل دوم
۳۳		فصل سوم
۴۵		فصل چهارم
۵۳		فصل پنجم
۵۹		فصل ششم
۷۳		فصل هفتم
۸۹		فصل هشتم
۱۰۲		فصل نهم
۱۱۹		فصل دهم
۱۳۳		فصل یازدهم
۱۵۳		تصاویر

این کتاب، وزهای بی‌آینه، زندگی واقعی زنی را واکاوی می‌کند که با عشق و اشتیاق در هفده سالگی پای سفره عقد می‌نشیند، در هجده سالگی طعم مادر شدن را می‌چشد و همان سال آغاز انتظار و چشم‌به‌راهی هجده ساله است: همسر خلبانش مفقودالثر می‌شود. این زن چهارده سال را در بی‌خبری و انتظار مطلق سپری می‌کند. پس از اعلام اسارت همسر، سه سال دیگر طول می‌کشد تا دیدار میسر شود. شکاف هجده ساله، انتظار و دور افتادن از هم، و تفاوت‌های شخصیتی به‌وجود آمده در گذر سال‌ها، هر دو را وای دارد تا برای شناخت یکدیگر در پی تلاش کنند: حسین لشگری در آستانه چهل‌وشش سالگی است و همیشه سی‌وشش ساله. احساس غریبگی و درد و رنج بر عشق و اشتیاق جوانی غالب است. زن و مردی که هجده سال یکدیگر را ندیده‌اند و ساهای تغییرات فیزیکی و شخصیتی یکدیگر نبوده‌اند حالا باید همه این هجده سال را بشناسند، بر آن عاشق شوند، و زیر یک سقف کنار یکدیگر زندگی کنند. آنان بار دیگر زندگی مشترکشان را آغاز می‌کنند؛ این بار نه با شور و اشتیاق جوانی، بلکه با درک رنج هجده سال انتظار برای رسیدن به یکدیگر.

در این کتاب منیژه لشگری زندگی اش را روایت می‌کند: ساده، واقعی، و بدون شاخ و برگ؛ دختری جوان که در بیست‌سالگی - دو سال پس از بستن عهد و پیمان خود برای زندگی مشترک - هجده سال به انتظار می‌نشیند. طوفان حوادث جنگ او را، بدون درک تب و تاب روزهای جوانی اش، به جهانی سخت و سهمگین پرتاب می‌کند. منیژه از برابر حقیقت تلخ زندگی اش، «بی‌خبری» را «انتظار» نمی‌گریزد. او در پی نجات احساسات و جوانی اش نمی‌افتد، بلکه در سایه سال‌های طولانی انتظار با امید و عشق به «مسلمان» که می‌داند زنده است - و پسر کوچکش - که سخت به او نیاز دارد - روزها را پشت سر می‌گذارد.

او گریه از وره‌های جوانی اش را در حصار قاب عکس‌ها می‌ریزد تا وقتی که «مسلمان»ش بازگشت ببیند او در بیست‌و‌پنج‌سالگی، بیست‌و‌هفت‌سالگی، سی‌سالگی، و... چه تغییراتی کرده و انتظار در هر سال در چشمانش چه رنگی بوده، و «روزهای بی‌آینه» بر او چگونه گذشته است.

این کتاب فقط روایت زندگی سخت منیژه لشگری نیست که بر طوفان سخت خواسته‌ها و احساسات جوانی خود غلبه می‌کند، بلکه نمایی از زندگی هزاران دختر جوانی است که از دل زندگی آنان دریچه‌ای به زندگی زنان جامعه ایران باز می‌شود: ایران درگیر جنگ و بعد از جنگ.

شاید این روایت زندگی تلنگری باشد به آنان که از برابر حقایق تلخ می‌گریزند و با اندک باد ناموافق در پی نجات جان و مال خویش‌اند.

گلستان جعفریان

تهران - تابستان ۱۳۹۴